

میرزا عیسی خان، وزیر ناصرالدین شاه قاجار بیان زندگانی، خدمات، و معرفی موقوفات برجای مانده از وی
منصور رشیدی^۱ / علی قنبریان^۲

چکیده

میرزا عیسی وزیر (متوفای ۱۳۱۰ قمری) از سادات معروف و مشهور شهر تفرش است. نسب وی با ۲۹ واسطه به امام زین العابدین^ع می‌رسد. وی فرزند میرزا موسی وزیر و داماد میرزا یوسف مستوفی الممالک (صدر اعظم ناصرالدین شاه) است. میرزا عیسی از دولتمردان زمان ناصرالدین شاه قاجار است. وی از مستوفیان عظامی بود که به خطاب جنابی افتخار یافته بود و برای خدماتی که انجام داده بود، چندین مرتبه از سوی ناصرالدین شاه مورد تشویق قرار گرفته است. میرزا عیسی برخی از اموال خویش را در راه خیر مصرف کرده است. از نمونه‌های آن می‌توان به مسجد و مدرسه‌ای در حوالی پارک شهر تهران و همچنین بیمارستانی در محله حسن‌آباد اشاره کرد. هم‌اکنون موقوفاتی از وی برجای مانده است که طبق وقف به آن عمل می‌شود. این مقاله در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، زندگانی میرزا عیسی خان بررسی شده است و در بخش دوم، به تبیین و شناسایی موقوفات وی پرداخته‌ایم. در گردآوری اطلاعات علاوه بر استفاده از منابعی که در دوران معاصر به رشته تحریر درآمده همچون کتاب شرح حال رجال ایران از مهدی بامداد، سعی شد از منابعی که در دوره قاجار نگاشته شده است همچون چهل سال تاریخ ایران به تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: میرزا عیسی خان، وقف، موقوفات، قاجار.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشگر تاریخ Mansoorrashidi2017@gmail.com

۲. دانش‌آموخته دکتری مبانی نظری اسلام از دانشگاه تهران Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷



بخش اول: زندگانی میرزا عیسی خان وزیر

میرزا عیسی تفرشی معروف به وزیر، فرزند میرزا موسی وزیر تفرشی و برادر سیدعبدالله خان انتظام السلطنه است. عیسی خان وزیر با ۲۹ پشت به امام زین العابدین * می‌رسد. ایشان ازدواج کرده بود ولی فرزندی نداشت. وی شوهرخواهر میرزا یوسف مستوفی الممالک (صدراعظم ناصرالدین شاه) بود. (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰) در برخی منابع خلافِ مطلب فوق آمده است: قائم مقام فراهانی با میرزا موسی باجناب بود. همسرشان خواهر میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم ناصرالدین شاه ملقب به جناب آقا، است. (حضرتی، ۱۳۸۲: ۱۲۱/۱). میرزا یوسف و فرزندش، میرزا حسن، در دانشگاه الزهراء ÷ مدفون هستند. (مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان). میرزا یوسف مستوفی الممالک و خویشاوند او میرزا عیسی وزیر از مالکان بزرگ شمال و غرب تهران بودند و در شمال تهران مالک دهات متعددی بودند که زمین‌هایشان به مرور تقسیم می‌شد، یا به فروش می‌رسید. (مبصر السلطنه، ۱۳۸۴ش: ۲۵/۱)

بعد از نظم‌الدوله، میرزا عیسی خان وزیر رئیس نظمیّه شد و بر یک عده‌ای افسران ارشد و رصدباشی و داروغه و سایر عواملی که آسایش و امنیت شهر را تأمین و با متخلفان در مبارزه بودند، ریاست داشت. گفته شده وی وظایف خود را به دقت انجام می‌داد و در اجرای دستورهای مقامات بالا بسیار جدی بود. پس از درگذشت میرزا عیسی خان وزیر، کریم خان مختار السلطنه به سمت وزیر نظمیّه منصوب شد و شروع به اصلاحات این دستگاه کرد.

هرچند میرزا عیسی پس از فوت پدرش به‌عنوان نایب‌الحکومه تهران (وزارت تهران و پیشکاری حکومت)، تعیین شد (سحاب، ۱۳۹۳: ۱۱۱/۱) اما در ماه ذی‌حجه سال ۱۲۸۳ قمری که ناصرالدین شاه عازم خراسان شد، در غیاب خود کارها را اساساً به میرزا یوسف آشتیانی مستوفی الممالک واگذار نمود و بنا به صواب‌دید و پیشنهاد وی، میرزا عیسی رسماً به سمت ریاست خالصجات و وزارت و پیشکاری (معاونت) کامران میرزا نایب‌السلطنه (حاکم تهران و کودک دوازده‌ساله)، منصوب شد و حدود یک سال در این مقام بود. (شهیدی، ۱۳۸۳ش: ۴۰۹/۱)؛ (سحاب، ۱۳۹۳: ۱۱۱/۱-۱۱۲)؛ (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰)؛ (باقری، ۱۳۹۵: ۴)

وی پس از قحطی و گرانی سال ۱۲۸۸ از وزارت تهران معزول و به‌جای او پاشاخان امین‌الملک که در سال ۱۲۸۳ قمری به سمت مهرداد سلطنتی منصوب شده بود، به پیشکاری نایب‌السلطنه و وزارت تهران منصوب شد. (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰)

عبدالله مستوفی قحطی عمومی در ایران را با عبارات زیر بیان کرده است:

«سال ۱۲۸۸، سال قحطی عمومی ایران است. از یکی دو سال پیش کم‌بارانی شروع و گرانی و تنگی خواربار خودنمایی می‌کرد ولی در زمستان سال ۱۲۸۷ باران هیچ نبارید و مایه‌های سنواتی هم تمام شده بود، قیمت نان که در اوایل ۱۲۸۷ بیش از یک‌من شش هفت شاهی نبود، به مرور ترقی کرده در این وقت به یک‌من یک‌قران رسید. مردم پایتخت این اشعار را ساخته به‌طور تصنیف می‌خواندند.

شاه کج‌کلا	رفته کربلا
گشته بی‌بلا	نان شده گران
یک‌من یک‌قران	یک‌من یک‌قران

ما شدیم اسیر

از دست وزیر

از دست وزیر

مقصود از وزیر، میرزا عیسی پسر میرزا موسی وزیر سابق تهران است که بعد از پدر تازه به وزارت تهران و پیشکاری نائب السلطنه برقرار شده بود. این تصنیف را ده پانزده سال بعد در ایام کودکی شنیده‌ام. حالا که وزن آن را تطبیق می‌کنم به آواز رهاب شور می‌خورد.

باری دشمنان میرزا عیسی برای از کار انداختن او این تصنیف را ساخته بودند؛ چنان‌که بزودی میرزا عیسی معزول و پاشا خان امین‌الملک به پیشکاری نایب السلطنه و وزارت تهران برقرار شد. (مستوفی، ۱۳۸۴ش: ۱۱۰/۱)

وی پس از درگذشت محمد ابراهیم خان، وزیر نظام، دایی کامران میرزا، در ۸ صفر ۱۳۰۹ قمری برای بار دوم وزیر تهران شد و یک سال بعد در ۲۲ صفر سال ۱۳۱۰ قمری به ناخوشی وبا درگذشت. (شهیدی، ۱۳۸۳ش: ۴۸۵/۱)

بیگریگی‌ها معمولاً پیشکار یا معاونی داشتند که وزیر نامیده می‌شد. میرزا عیسی وزیر یا میرزا محمود وزیر، از وزرای مشهور تهران بودند. (همان، ۱۷۶)

میرزا عیسی از مستوفیان عظامی بود که به خطاب جنابی افتخار یافته بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۷۹/۱) میرزا عیسی همانند پدرش خدمات بسیاری انجام داد و مورد تشویق شاه قاجار بود. در کتاب «مرآة البلدان» آمده:

«میرزا عیسی وزیر دارالخلافه به اعطای یک قطعه نشان تمثال همایون سرافراز آمد.» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷ش: ۱۵۶۴/۳)

میرزا عیسی وزیر از اعضای مجلس تحقیق دولتی بود. این مجلس در تاریخ شنبه ۶ ربیع‌الاول ۱۲۹۹ تشکیل شده بود. امین‌الملک یعنی میرزا علی خان (امین‌الدوله بعدی) به‌عنوان ریاست آن تعیین گشت و در تعیین اعضای آن مستوفی الممالک نام اعتماد السلطنه را نیز برد و او از این جهت کتابچه مختصری در باب این مجلس نوشت.

اعضای دیگر مجلس عبارت بودند از وزیر دفتر که بالاخره رئیس مجلس شد، حاجی میرزا علینقی، امین‌لشکر، معین‌الوزار یعنی علاء السلطنه بعدی پدر حسین علا، مستشار یعنی میرزا یوسف خان، گرانمایه یعنی حاج میرزا حسین خان سرابی مؤلف مخزن الوقایع. (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴: ۷۲۱/۲)

ظاهراً میرزا عیسی وزیر مخالفتی با سپهسالار داشت و ناصرالدین شاه که مایل به عود سپهسالار بود، مخالفین او را از کار برکنار نمود. یکی از آن افراد که به این دلیل به کرمان تبعید شد میرزا عیسی وزیر بود. (مافی، ۱۳۶۲ش: ۷۱/۱)

محمد ابراهیم باستانی پاریزی در این زمینه نوشته:

«چند سال پیش یک روز خدمت عبدالله انتظام بودم. او به من گفت که ما انتظام‌ها با شما کرمانی‌ها قوم و خویش هستیم. اول بار اندکی برایم قبول آن مشکل بود و آن را نوعی تعارف تلقی کردم. اما بعدها متوجه شدم میرزا عیسی وزیر وقتی به دستور ناصرالدین شاه به کرمان تبعید شده بود با یک زن کرمانی از خاندان هدایت‌علی شاه کوه‌بنانی ازدواج کرده بود.» (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸/۱)

از اقوام میرزا عیسی، میرزا سید محمد تفرشی است. وی خواهرزاده میرزا عیسی وزیر و برادر میرزا سید یوسف بود. پس از اینکه میرزا سید یوسف تغییر سمت داد و در سال ۱۳۰۱ قمری مستشار اول و رئیس اتاق دعاوی اداره پلیس شد، میرزا سید محمد به جای وی رئیس محله سنگلج شد و به مدت ۴ سال در این سمت باقی و برقرار بود.



میرزا سید محمد تفرشی

نسخه خطی به شماره ۴۳۳۷/۶؛ دانشگاه ۲۱۹۲/۱۱ درباره سرگذشت میرزا عیسی وزیر و میرزا یوسف صدراعظم است، در چند فصل. تاریخ سیاسی روزگار قاجار و آشفتگی های آن روزه از آن روشن می گردد. آغاز نسخه: «بسمله. میرزا عیسی را بر خود تقدیم ندهد و هم در وصف میرزا موسی تقصیر کرده». (منزوی، ۱۳۸۲ ش: ۹۸۳/۲) تصحیح و بازخوانی این نسخه، اطلاعات بسیاری درباره فعالیت های میرزا عیسی خان وزیر به دست می دهد.

وفات

در سال ۱۳۱۰ قمری و با تهران را فراگرفت و تعداد بسیاری در هر روز جان خود را از دست می دادند. میرزا عیسی وزیر مقید بود که اجساد با آداب کامل اسلامی (غسل و کفن) دفن شوند و تعداد زیاد مردگان مانع از این عمل نشد و خودش شخصاً نظارت می کرد تا تخلفی صورت نگیرد. میرزا عیسی جانش را در این راه فدا کرد (مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان) و بر اثر وبا، در ۲۲ صفر سال ۱۳۱۰ قمری درگذشت. (شهیدی، ۱۳۸۳ ش: ۴۸۵/۱) برخی به اشتباه (خسروی، ۱۳۹۴ ش: ۱۵)، سال وفات میرزا عیسی را ۱۲۸۸ شمسی ذکر کرده اند. در کتب تاریخی سال وفات ۲۲ صفر ۱۳۱۰ قمری است که برابر می شود با شهریور ۱۲۷۱ شمسی.

عبدالله مستوفی درباره وبا و مرگ میرزا عیسی خان وزیر می نویسد:

«آن روزها البته آمار و احصائی ای نبوده است که عده مبتلایان وبا و اموات آنها را تشخیص دهد ولی از قراری که می گفتند، عده اموات تهران در یکی دو هفته به روزی سیصد نفر هم رسیده بوده است. از جمله وفیات، میرزا عیسی وزیر تهران بود که در سال گذشته قبل از وقوعه تنباکو و بعد از مردن محمد ابراهیم خان وزیر نظام تهران، مجدداً به این شغل

منصوب شده بود.» (مستوفی، ۱۳۸۴ش: ۴۸۲/۱) نهضت تنباکو در ۲۸ رجب ۱۳۰۷ق/ ۲۹ اسفند ۱۲۶۸ش، با امضای قرارداد رژی توسط ناصرالدین شاه شروع شد و در اوایل جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ با صدور حکم تحریم استعمال تنباکو و توتون توسط میرزای شیرازی به پایان رسید.

و در «روزنامه خاطرات عین السلطنه»، به تألیف قهرمان میرزا سالور عین السلطنه، جلد ۱ صفحه ۴۸۴، چنین آمده است: «شنبه ۲۹ محرم، صبح است بیرون نشسته‌ام. لله الحمد تا حال از برکت دعاهاى مخصوصه سلامت هستیم، تا بعد خدا چه خواهد. چندان تخفیفی در این مرض حاصل نشده است. مردم شهر تماماً فرار کرده‌اند. کوجه‌ها خلوت است. تمام دکان‌ها بسته است. دل مردم پی کار نمی‌رود. در شمرانات این مرض هست، لیکن از بابت وسعت مکان و آب و هوای خوش چندان زیاد نیست. بهترین کارها توکل است. خیلی‌ها فرار کردند و مبتلا شده تشریف بردند. روضه‌خوانی تمام شد.

وفیات ویا: عفت‌الدوله بنت شاه مرحوم همشیره کوچک اعلی حضرت به همین مرض بدرود زندگانی گفتند. خیلی‌ها مرحوم شدند. عصمت السلطنه والدۀ ظل السلطان مرحومه شدند. میرزا عیسی وزیر تهران پریشب به رحمت ایزدی پیوست. شهر الآن بی صاحب است. آقای نایب السلطنه اوشان فرار کرده‌اند. هنوز وزیری تعیین نشده است. شمیرانات به شدتی شلوغ شده است که چه نویسم.»

میرزا عیسی وزیر وصی را برادرزاده‌اش (سیدمحمد انتظام السلطنه) قرارداد. زیرا برادرش (سیدعبدالله خان انتظام السلطنه) زودتر از وی وفات کرد. از آنجا که میرزا عیسی فرزندی نداشت، میرزا حسن مستوفی‌الممالک علاوه بر ارث پدری، از عمه خود، زن میرزا عیسی وزیر، هم ثروت هنگفتی به ارث برد و همه را در راه آقائی خرج کرد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۹۳/۲) وی صدراعظم ایران و معروف به آقا بود. (حضرتی، ۱۳۸۲: ۲۸/۱) (مقدمه محمدابراهیم باستانی پاریزی)

میرزا حسن مستوفی‌الممالک پسر میرزا یوسف مستوفی‌الممالک، متولد ۱۲۹۲ قمری در شش یا هفت سالگی با لقب مستوفی‌الممالکی رئیس دفتر استیفا (وزارت مالیه) شد و میرزا هدایت وزیردفتر سمت سرپرستی او را در کارهای اداری یافت و چون مستوفی دوم یعنی میرزا یوسف درگذشت، همه کارهایی که داشت به استثنای صدارت به یگانه پسرش میرزا حسن تعلق گرفت و میرزا هدایت همچنان از او نیابت می‌کرد و ناصرالدین شاه هم همان احترام پدرش را برای او قائل بود. مستوفی همچنان بر سر کار بود تا در سلطنت مظفرالدین شاه در ۱۳۱۸ قمری سفری به اروپا رفت و هفت سال در پاریس اقامت نمود و در این مدت غالباً هرروزه، ده دوازده نفر از ایرانی‌ها مهمان او بودند و وقتی هم که به ایران برگشت مورد احترام عمومی و در حقیقت فرد شاخص ملی بود. چه مردی بود رثوف و مهربان و در دوستی ثابت و به تمام معنا «آقا» و در عین حال وطن‌پرست. مستوفی با میرزا علی اصغر خان اتابک به ایران بازگشت و در کابینه اتابک وزیر جنگ شد و پس از استقرار مشروطیت پانزده بار وزیر و یازده بار رئیس‌الوزرا شد و غالباً هم از تهران به نمایندگی انتخاب می‌شد. از دوره هفتم به بعد نمایندگی را نپذیرفت. در ششم شهریور ۱۳۱۱ش که در خانه میرزا رضاخان حکمت (سردار فاخر) مهمان بود حالتی شبیه سکت به او دست داد و با اینکه دکتر مهدی ملک‌زاده در مقام معالجه برآمد سودی نداد و مستوفی درگذشت و در مقبره خانوادگی در ونک مدفون شد و داستان مرگ او همچنین در تردید و ابهام باقی ماند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۴۹۳/۲)



میرزا عیسی خان وزیر

سیدعبدالله خان انتظام السلطنه، برادر میرزا عیسی خان وزیر

میرزا عیسی خان وزیر برادری با نام سیدعبدالله دارد. سیدعبدالله نیز از صاحب منصبان قاجار بوده و منشأ خدماتی شده است. از آنجا که میرزا عیسی، فرزندی نداشت، موقوفات وی به دست فرزندان و نوادگان برادرش (سیدعبدالله) اداره می شود.

میرزا سیدعبدالله خان برادر میرزا عیسی وزیر و پدر میرزا سیدمحمدخان انتظام السلطنه (بینشعلی) و جد آقایان سیدعبدالله و سیدنصرالله انتظام وزیری در خدمت اداره نظمیة زمان ناصرالدین شاه بود. حسن فقیه عبداللهی در کتاب «مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران» صفحه ۱۰-۱۱ به اشتباه، میرزا عیسی وزیر را به عنوان جد سیدعبدالله و سیدنصرالله انتظام وزیری معرفی کرده است. (عبداللهی،

۱۳۸۵ش: ۱۰-۱۱)

در ۶ رجب ۱۳۰۹ (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۴۸) به جای کنت دومونت فورت اتریشی یا ایتالیایی، رئیس شهربانی شد که در آن زمان وزیر نظمیۀ نامیده می‌شد و به مناسبت ریاست شهربانی‌اش به انتظام‌السلطنه نیز ملقب گردید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۶۸۵/۲؛ سحاب، ۱۳۹۳: ۱۱۲ و ۱۹۴)

وزارت نظمیۀ انتظام‌السلطنه بیش از هفت ماه طول نکشید؛ چراکه انتظام‌السلطنه در روز سه‌شنبه هفدهم ذی‌حجۀ (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲ش: ۱۳۵) همان سال درگذشت و به‌جای او میرزا ابوتراب خان خواجه نوری که پیش‌تر معاون کنت بود به سمت وزیر نظمیۀ برگزیده به مناسبت شغلش ملقب به نظم‌الدوله شد. (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۹۶)

ممتحن‌الدوله در خاطرات خویش درباره خصوصیات اخلاقی وی چنین آورده است:

«مرحوم سیدعبدالله بسیار بسیار آدم خوش‌منظر و خوش‌فطرت و فرنگی مآب بود و خدمت به [هم] نوع زیاد می‌کرد. همین آقا سید، به طراحی و نقشه‌کشی بنده، عمارت و باغی در خارج دروازه قزوین در سر قنات مرحوم میرزا سیدموسی وزیر، بساخت و غالب اوقات با هم محشور بودیم و رفت و آمد داشتیم.» (شقایق، ۱۳۵۳: ۲۴۱)

اعتمادالسلطنه مورّخ معاصر با سیدعبدالله خان با عنوان «معتمدالسلطان» یاد کرده و از باغی [واقع در خیابان امیریه انتهای کوچۀ انتظام‌السلطنه که با نقشۀ فرنگی ساخته شده و آسیایی نیز در پهلوی آن بود که تنوره‌اش در آن باغ بود و در موقع خود از باغ‌های خیلی جالب و خوش‌منظره و عالی بود] نام می‌برد که در تملک وی است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۱۲۰/۱)

شاید همان باغی باشد که در محدوده میدان منیریه کنونی در شهر تهران بوده و در اختیار فرزندش سیدمحمد بود. البته بر اثر ساخت‌سازهای در شهر تهران، هم‌اکنون اثری از باغ یادشده نیست.

در کنار باغ او واقع در خیابان امیریه انتهای کوچۀ انتظام‌السلطنه، آسیایی بود مشهور به آسیاب سیدعبدالله خان.

ممتحن‌الدوله در بخشی دیگر از خاطراتش درباره سیدعبدالله انتظام‌السلطنه گوید:

«یکی از همشیره‌های نامه‌نگار را هادی‌بیک گرفته دختری آورد که به آقا علی امین حضور که قبلاً وصف او را نوشتم دادند و پس از فوت هادی‌بیک مادر این دختر عیال مرحوم میرزا سید موسی تفرشی وزیر تهران گشت و یک پسر به نام سیدعبدالله و دو دختر آورد. دو خواهر میرزا سیدعبدالله یکی عیال میرزا اسماعیل پسر صاحب دیوان آشتیانی گشت و پسری آورد میرزا شفیع نام که بعدها ملقب به مقتدرالملک گردید و پس از منصب استیفا، ریاست تشریفات وزارت خارجه و بعد معاونت وزیرمختار ایران در ایتالیا به او محول گشت.

خواهر دیگرش عیال میرزا ابوالقاسم پسر حاجی میرزا عباسقلی که از اشراف تهران بود، شد.» (شقایق، ۱۳۵۳: ۲۴۱)

در اینجا ممتحن‌الدوله هیچ اسمی از میرزا عیسی خان وزیر نیاورده است. ظاهراً میرزا عیسی از همسر دیگر میرزا موسی تفرشی بوده است. در این صورت، از نظر فقهی سیدعبدالله خان و میرزا عیسی وزیر، برادر ابی بوده‌اند. یعنی پدرشان یکی است اما از مادر جدا هستند. برداشت فوق براساس گفته ممتحن‌الدوله است ولی در میان بازماندگان کنونی خاندان انتظام‌وزیری تحلیل مذکور صحیح نیست.

عنوان انتظام‌السلطنه در برخی از کتب تاریخی بر افرادی غیر از سیدعبدالله خان نیز اطلاق شده است؛ به عنوان نمونه:

جمعه ۲۹ ربیع‌الاول (۴ فوریه ۱۹۱۶) از طرف شاهزاده رئیس‌الوزراء انتظام‌السلطنه به سمت ریاست مرکز و انتخابات وزارت داخله برقرار گردید. (سپهر، ۱۳۳۶: ۳۲۲)

قطعاً و یقیناً مراد از انتظام السلطنه در عبارت فوق، سید عبدالله خان نیست. زیرا سال‌ها قبل از ۱۹۱۶ میلادی، سید عبدالله خان وفات کرده است.

۲ شخصیت در دوره قاجار هستند که شباهت اسمی با سید عبدالله خان انتظام السلطنه دارند و لازم است که بین آن‌ها خلط و اشتباه نشود.

الف) عبدالله خان ناظم السلطنه. وی پسر علاءالدوله و پدر حبیب‌الله خان موقرالسلطنه در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه سرده‌ستۀ غلامان شاهی بود و کشیک‌خانه به او واگذار شد. وی با برادرش احمد خان علاءالدوله رقابت داشت. وی در ۱۳۰۲ شمسی درگذشت. (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴ش: ۵۱۸/۲)

ب) محمدحسن بن علی اعتماد السلطنه. کتابی منتشر شده است در رابطه با این شخصیت. مشخصات کتاب‌شناسی عبارت است از:

با عنوان «روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه: وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری از روی یگانه نسخه و موجود در کتابخانه آستان قدس، مقدمه و فهرس: ایرج افشار، تهران، ۱۱۰۷ ص، چ دوم، شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۲۳۷۷۳.





سید عبدالله خان وزیر
به همراه فرزندش (سید محمد انتظام السلطنه)



بخش دوم: موقوفات میرزا عیسی خان وزیر

۱. مسجد و مدرسه

زمان قاجار پارک شهر گورستان بود. املاک میرزا عیسی خان وزیر هم در مجاورت این گورستان قرار داشت. او برای کمک به ایتم با هزینه شخصی خود مخارجی (مانند مسجد و مدرسه) قرار داد. (خسروی، ۱۳۹۴: ۱۵)

مسجد و مدرسه میرزا عیسی خان وزیر در سال ۱۲۹۵ قمری ساخته شده است. مسجد و مدرسه در کنار قبرستان بود. بعدها قبرستان را از بین برده و در محل قبرستان پارک شهر کنونی را احداث کردند. فضای مسجد در سال ۱۳۵۵ بازسازی شد. (باقری، ۱۳۹۵: ۴) داریوش شهبازی بازسازی مسجد را در سال ۱۳۵۰ ذکر کرده است. (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱/۱۹۷)

در سردر مسجد این روایت نوشته شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ [ص] أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۳۰) املاکی در اشتهارد و همچنین مغازه‌های اطراف مسجد میرزا عیسی وزیر، همگی وقف بر مسجد، حوزه، و ایتم شده است. در وصیت‌نامه هم اشاره به موقوفات شده است و خورشید خانم (از خاندان غفاری) نیز وصیت‌نامه را امضا کرده است. اصل وصیت‌نامه در اختیار فرزندان آقای انتظام است و رونوشت آن نزد آقای منصور رشیدی است. در سابق داخل مسجد میرزا عیسی وزیر حوزه علمیه بوده است. الآن حوزه از بین رفته است.

افراد زیادی از فضلا، علما، و دانشمندان مشروطه در مدرسه میرزا عیسی وزیر تدریس و تحصیل کرده‌اند. (دوانی، ۱۳۸۵: ۱/۷۸) مقبره میرزا عیسی وزیر کنار مسجدش است و به وسیله دیواری از یکدیگر جدا هستند. کنار دیواری که کتیبه شجره‌نامه نصب شده دری هست که به حیاط نقلی و باصفای دیگری هدایت می‌کند. حیاطی با یک درخت خرما در وسط. انتهای حیاط چند پله می‌خورد و ایوانی و بعد دری آهنی با طرح‌های اسلیمی و شیشه‌های رنگی. سنگ قبر وسط این اتاق بزرگ قبل از دیگر اجزای اتاق توجهتان را جلب می‌کند. یکی متعلق به میرزا عیسی خان وزیر است و دیگری متعلق به برادرزاده اش جناب سید محمد انتظام السلطنه.

مسجد زیر نظر اوقاف اداره می‌شود. مقبره از موقوفات نیست بلکه ملک شخصی خاندان انتظام‌وزیری است و به دست آنان اداره می‌شود. هم‌اکنون سرپرست مقبره، آقای منصور رشیدی (فرزند علی‌بابا رشیدی) است. بنای مسجد در خیابان شاهپور تهران (وحدت اسلامی) زیر چهار راه حسن آباد روبروی خیابان بهشت از ثلث دارایی میرزا عیسی وزیر ساخته شده است. میرزا عیسی وزیر در زاویه شمال غربی همین مسجد مدفون است. (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱/۴۸۵)

هر هفته در مسجد، هیئت زنجانی‌ها عزاداری و توسل دارند. در داخل محراب مسجد ۲ کتیبه وجود دارد:

الف) «سنه ۱۴۰۱ق» که نشان‌دهنده سال تعمیر و بازسازی مسجد است.

ب) «عمل سید محسن احمدی». نام سازنده کاشی‌های محراب و یا ممکن است نام معمار باشد.

متأسفانه مدرسه ۱۲۸ ساله میرزا عیسی وزیر که در حجره‌هایش روزی مرحوم دهخدا (۱۲۵۷ شمسی تا ۱۳۳۴ شمسی) به گفته خودش ده سال نزد حاج شیخ هادی تلمذ می‌کرده تخریب شده است. (نجم‌آبادی، بی‌تا: ۱۶)

مقبره در سال ۱۳۵۶ شمسی توسط سید عبدالله انتظام‌وزیری و با نظارت جناب آقای سعید ساعی و علی‌بابا رشیدی (سرپرست مقبره) بازسازی شد. سرپرست مقبره میرزا عیسی، مرحوم محمد رشیدی و بعد از وی فرزندش مرحوم علی‌بابا رشیدی و بعد از علی‌بابا، فرزندش حاج منصور رشیدی است.

کتیبه‌ای بر در ورودی مسجد نصب است. برخی از مواردی که در آن نوشته شده است:

الف) مسجد و مدرسه میرزا عیسی وزیر در سال ۱۲۹۵ قمری به همت مرحوم میرزا عیسی وزیر احداث می‌شود.

ب) افراد زیادی از فضلا، علما، و دانشمندان مشروطه در همین مدرسه تدریس و تحصیل کرده‌اند.

پ) این مسجد و مدرسه از اراضی متعلق به سید میرزا عیسی معروف به وزیر احداث شده است.

ت) مسجد و مدرسه میرزا عیسی وزیر دارای حیاطی باصفا و زیبا بود که در اطرافش مدرس بزرگ و حجرات قرار داشتند. در ضلع شمال غربی حیاط، مقبره مرحوم عیسی وزیر قرار دارد.



مسجد عیسی خان وزیر
 منصور رشیدی (سرپرست مقبره میرزا عیسی وزیر) نزد
 حجت الاسلام علی اکبر واعظی (امام جماعت مسجد)



کتیبه محراب
مسجد میرزا عیسی وزیر



کتیبه محراب
مسجد میرزا عیسی وزیر

بر روی دیوار ورودی مسجد قدیمی، کتیبه‌ای نیز نصب شده است. متأسفانه به‌جز ورودی مسجد و مدرسه و صحن قدیمی مسجد، بقیه بنا تخریب شده است.

بر روی کتیبه نام اجداد میرزا عیسی خان وزیر تا امام زین‌العابدین * حک شده است: «صورت انساب سلیل الاطیاب و الانجاب ستوده آداب و وزارت منقبت فلک رفعت آسمان منزلت افتخار السادات العظام زبده نقباء الکرام قدوة آل طه و یس خلاصة احفاد حضرت امیرالمؤمنین * و امام المتقین سید الوزراء فی العالمین آقای آمیرزا عیسی وزیر دارالخلافه طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه فی شهر محرم الحرام ثیل پاس ۱۳۱۰ آقا میرزا عیسی، آقا میرزا موسی، آقا میرزا ابوالقاسم، میرزا عیسی، میرزا فضل‌الله، میریحی، میرعبداللہ، میرمسعود، میرسیدحسن، میرزین‌العابدین، میرزا مطهر، میرزا عبدالواسع، میریغما، میرجعفر، میرامین‌الدین، میررکن‌الدین، میرمحمد، میرفخر، میرتقی‌الدین، میرزمان، میرلطف‌الله، میرشمس‌الدین، میرمحمد، میرسیدحسن، میرشرف‌الدین، میرحسین، میرلطف‌الله، میرتاج‌الدین، میرقوام‌الدین، میرشرف‌الدین حسین، میرسیدمرتضی اعظم، میرسراج، میرکمال، میررفیع‌الدین، میرسیدحسن واقف، سیدامین‌الدین، سیدبرهان‌الدین، میرغلام ابومحمد، میرابوالفضل، میراسماعیل، میرابوطالب، سیدمحمد، سیدحسین، علی عمران حسن افطس، امامزاده علی‌اصغر، حضرت علی‌بن‌الحسین^۸ سیدالساجدین زین‌العابدین روحی و روح العالمین فداه. عمل سیدمحمدرضا ۱۳۲۳».

نکته:

۱. «نیل» به معنای سال است. «نیل پاس» ظاهراً همان «پارس نیل» یا «بارس نیل» بوده و به معنای سال پلنگ است که سال سوم از دوازده سال ترکی است.
۲. طبق نقل برخی حسن افطس جدّ آیت الله سیدعلی خامنه‌ای است.



کتیبه مسجد عیسی خان وزیر



سنگ مزار میرزا عیسی خان وزیر

روی قبر میرزا عیسی خان وزیر یک سنگ سفید قدیمی ترک خورده قرار گرفته که بالای سنگ دو فرشته کوچک حجاری شده. بالای سنگ قبر بینشعلی شاه دو تبرزین حجاری شده. (باقری، ۱۳۹۵: ۴)

روی سنگ مزار میرزا عیسی وزیر، آیه هُوَ «الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» (فرقان: ۵۸/۲۵) حک شده است و سپس اشعار ذیل نوشته شده است:

به تازگی ز چمن نوبهار کرد فرار گرفت راه نفس در گلوی بلبل زار
 خمید قامت سر و سحی ز محنت و غم ز رنج و غصه شقایق سیه نمود دِثار
 هماره شیوه این چرخ سفله پرور دون ستم بود به بزرگان و جور بر ابرار
 چنانکه تازه گلی را ز باغ پیغمبر به نیم چشم زدن برد و دل نمود فکار
 چه نوگلی که به هنگام بذل پیش کَفَش عطای حاتم و جود معن چه یک دینار
 مهین وزیر که چون او به ملک ری نبدی بر آستان شهنشه امین و خدمتکار
 رسول جدش موسیش باب و عیسی نام بزرگ مهر به تدبیر و آصفی آثار
 به سال سیزده و ده بُد ز هجرت خاتم پس از هزار که بردش وبا به دار قرار
 بزرگوار و خدایا به عزت احمد به قدر و مرتبه و جایگاه هشت و چهار
 به روز حشر به پیش لوای پیغمبر بکن ز رحمت خود سرفراز و برخوردار

نکته:

۱. دِثار: لباسی که روی لباس های دیگر می پوشیدند. (انوری، ۱۳۸۲ش: ۴/۳۰۱۱)

۲. معن: از رجال معروف ادبی.

۳. مهین: بزرگ تر. (انوری، ۱۳۸۲ش: ۷/۷۵۴۰)

۴. آصف: وزیر باتدبیر حضرت سلیمان(ع).

۱۰ بیت شعر روی سنگ مزار حک شده است. سراینده اشعار معلوم نیست. نکته هایی از اشعار به دست می آید:

(الف) از لفظ «جدش» در بیت هفتم دانسته می شود که میرزا عیسی از سادات است.

(ب) در بیت هشتم با عبارت «به سال سیزده و ده بُد ز هجرت خاتم پس از هزار»، به سال وفات میرزا عیسی اشاره دارد: ۱۳۱۰ قمری.

(پ) عبارت «بردش وبا به دار قرار» به نحوه وفات وی اشاره دارد که همان بیماری وبا است.

سیمت داشتن میرزا عیسی در دربار باعث نشد که از فکر مردم غافل شود. او از عارفان دوره خود بود و زمانی که وبای عام و معروف در تهران شیوع پیدا کرد و آن قدر کشته داد که مجبور بودند مرده ها را گروهی دفن کنند، دستور داد دفن اموات با آداب اسلامی و همراه با غسل و کفن انجام شود و آن قدر به این امر اهتمام داشت که جانش را بر سر این راه گذاشت. نصرالله حدادی تهران شناس در این باره می گوید: میرزا عیسی خان با وجود مقامی که در دربار داشت مستقیم بر کار

رسیدگی به بیماران گرفتار وبا و تدفین اموات نظارت می‌کرد، تا آنجا که به دلیل تماس مستقیم با مبتلایان به وبا خودش هم وبا گرفت و در ماه صفر سال ۱۳۱۰ قمری از دنیا رفت. (باقری، ۱۳۹۵: ۴)



بر روی سردر نوشته شده است:
«مسجد و مدرسه مرحوم میرزا عیسی خان وزیر»
در حوزه علمیه میرزا عیسی افرادی چون علی اکبر
دهخدا تحصیل کرده‌اند. متأسفانه بر اثر تسامح و
سهل‌انگاری، حوزه علمیه تخریب شده است.

هیئت محبان حضرت علی بن ابی طالب^۱ در این مقبره مراسم برگزار می‌کند. این هیئت در دو روز از سال موقع ظهر، اهالی محل، همچنین مستمندان و نیازمندان را اطعام می‌کند: روز میلاد امام علی * (۱۳ رجب) و اربعین امام حسین * . اربعین سال ۱۳۹۵ شمسی، سه هزار وعده غذا بین کارتن‌خواب‌ها و اهالی محل توزیع شد. همواره در این مقبره مدح و منقبت مولی * خوانده می‌شود و این مراسم و اطعام از همان سال‌های حیات سیدعبدالله انتظام‌وزیری برگزار می‌شود. (همان، ص ۵) نظر سیدعبدالله انتظام‌وزیری آن بود که به روضه‌خوانی و مراسم امام حسین * خیلی اهمیت داده شود و در مسجد میرزا عیسی سوگواری امام حسین * برپا شود. همچنین در مقبره میرزا عیسی وزیر، فقرا و بی‌خانمانان اطعام شده و غذای گرم بخورند. (مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه‌گیرنده: علی قنبریان) در موقوفات میرزا عیسی خان وزیر آمده است که شب‌های جمعه اطعام کنند و این سنت حسنه از آن زمان تاکنون ادامه دارد و بعد از نماز مغرب و عشا، در مسجد سفره‌ای پهن می‌شود.



هیئت محبان حضرت علی بن ابی طالب (ع)

مقبره میرزا عیسی خان وزیر

روز عاشورا، سال ۱۳۹۶ شمسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تهران، مقبره میرزا عیسی خان وزیر و سید محمد انتظام السلطنه،
از راست: استاد اسدالله عبدلی آشتیانی (پژوهشگر اسناد)،
منصور رشیدی (پژوهشگر تاریخ)، دکتر اوسامو اوتسوکا
(دانشگاه توکیو)، علی قنبریان (سندپژوه)، ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
شمسی

۲. بیمارستان وزیری

بیمارستان وزیری مربوط به دوره قاجار است (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۹۰/۱) و در تهران در خیابان ولی عصر، زیر چهار راه جمهوری محله حسن آباد از ثلث دارایی میرزا عیسی وزیر ساخته شده است. احداث بیمارستان در سال ۱۳۱۷ شروع شد. (سپهر، ۱۳۸۶ش: ۳۹۹/۱) برخی سال افتتاح بیمارستان را ۱۳۱۸ در دوره مظفرالدین شاه ذکر کرده‌اند. (فقیه عبداللهی، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۱؛ بامداد: ۱۳۷۱ش: ۵۱۴/۲-۵۱۷)

در کتاب «روزشمار تاریخ معاصر ایران» جلد ۱، صفحه ۲۸۸، افتتاح بیمارستان مرحوم میرزا عیسی وزیر را پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۰۰/۱۳ ذی الحجه ۱۳۳۹ ذکر کرده است و چنین ادامه داده است:

«حکیم الدوله وزیر صحیه و امور خیریه از بیمارستان تازه تأسیس مرحوم «میرزا عیسی وزیر» بازدید نمود و وعده داد که به زودی نواقص آن را برطرف نماید. این بیمارستان به همت شخص حکیم الدوله^۱ تأسیس شده بود.»

حمایه نیز برای رفع احتیاج مریض خانه میرزا عیسی و مردم خارج دائر شده بود. در اراضی اشتهازد نزدیک نجم آباد نیز ملکی با نام صحت آباد است که برای تکمیل عوائد مریض خانه داخل در موقوفات مریض خانه است. (دوانی، ۱۳۸۵ ش: ۲۷-۲۹) تا همین اواخر کتیبه‌ای از کاشی لاجوردی بر سردر بیمارستان وجود داشت که روی آن به خط سفید، عبارت «بیمارستان ملی وزیری» دیده می‌شد. (فقیه عبداللهی، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۱)

کتیبه‌ای بر در ورودی بیمارستان وزیری نصب است. برخی از مواردی که در آن نوشته شده است:

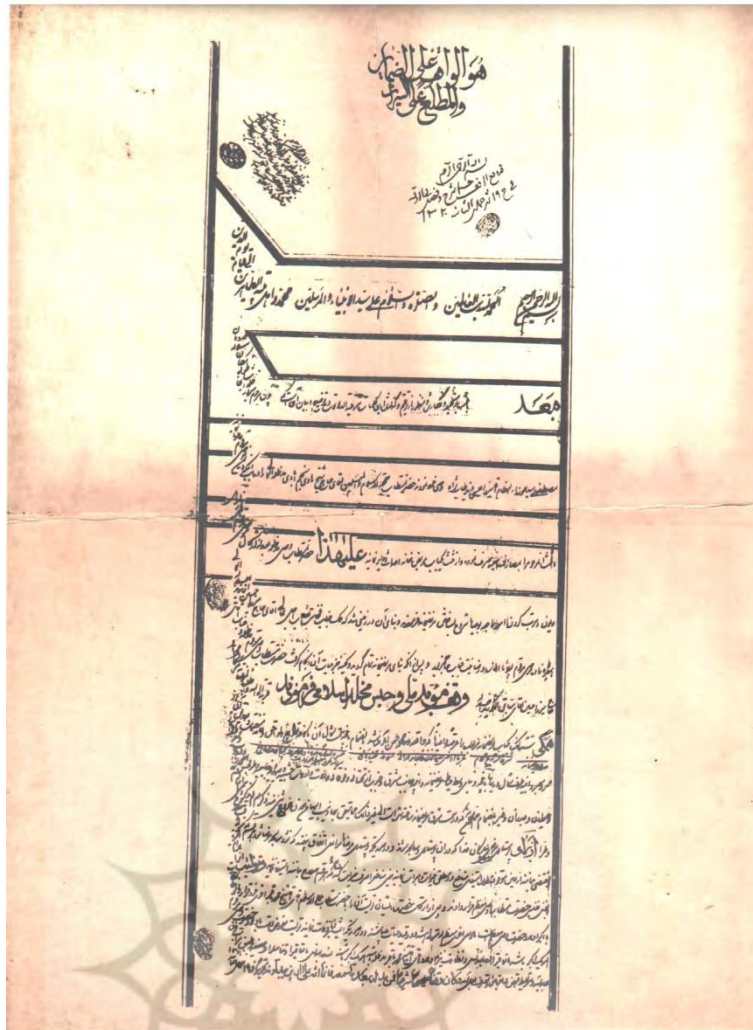
الف) بیمارستان وزیری از ثلث اموال میرزا عیسی مشهور به وزیر احداث شد.

ب) ساختمان بیمارستان در سال ۱۲۷۵ ش/ ۱۳۱۴ ق شروع شد و در سال ۱۲۷۹ ش/ ۱۳۱۸ ق پایان یافت (طبق کتیبه‌ای که سردر بیمارستان نصب شده است). در آن زمان بیمارستان شامل چند اتاق بود که گنجایش ۱۰ تخت خواب را داشت و آن را به دو قسمت طبی و جراحی تقسیم می‌کردند. قسمت طبی زیر نظر مرحوم دکتر سیدابوتراب و قسمت جراحی زیر نظر دکتر لُف (Luff) آلمانی اداره می‌شد.

پ) مزرعه‌ای در اطراف نجم آباد نزدیک اشتهازد به نام صحت آباد وقف بیمارستان شده است. نجم آباد قصبه‌ای است از دهستان افشاریه ساوجبلاغ شهرستان کرج در ۴۸ هزار گزی مغرب کرج و ۱۸ هزار گزی جنوب راه کرج به قزوین. در جلگه معتدلی واقع است و ۲۶۷۴ تن سکنه دارد. (دهخدا، لغت نامه؛ به نقل از: شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۹۲/۱)

ت) در سال ۱۳۱۵ یک بخش به بیماری‌های زنان اختصاص داده شد که در آخر ریاست آن با مرحوم دکتر حمید آهی بود و در سال ۱۳۱۹ به دانشکده پزشکی ضمیمه و مرکز آموزش رشته زنان و مامایی دانشگاه تهران شد. بسیاری از اساتید فعلی ایران در رشته زنان و مامایی از متخصصان این بیمارستان هستند. در سال ۱۳۳۰ برای آزمایشگاه و رادیولوژی ساختمانی از طرف دانشکده پزشکی در این بیمارستان بنا شد. متأسفانه در سال ۱۳۵۰ شمسی بیمارستان که حداکثر استفاده از آن به عمل آمده بود به صورت مستهلک شده، به متولی وقت عودت داده شد. در سال ۱۳۵۵ شمسی وزارت بهداشتی وقت بیمارستان را (خوشبختانه به غیر از بنای جنوبی آن) خراب کرد تا در محل آن بیمارستانی جدید بسازد.

ث) بیمارستان وزیری در سال ۱۳۷۷ تحت شماره ۲۳۸۳ به ثبت آثار ملی رسیده است.



وقف نامه بیمارستان

میرزا عیسی خان وزیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمای بیرونی بیمارستان وزیری

هم اکنون بیمارستان فرسوده شده و غیرقابل استفاده است. امیدواریم تدابیری اندیشیده شود و با مساعدت‌های سازمان اوقاف، بیمارستان بازسازی شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۳. اراضی موقوفه در اشتهارد (قریه مرادتپه)

براساس برخی منابع (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰) و سندهای وقفی که در کتابخانه شخصی آقای منصور رشیدی موجود است، برخی از موقوفات میرزا عیسی وزیر در اشتهارد و قریه مرادتپه شهرستان کرج است. سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام کرد:

سند تک‌برگی موقوفه میرزا عیسی وزیر بی سابقه‌ترین اخذ سند موقوفات در کشور است. با صدور سند مالکیت میرزا عیسی وزیر، بیش از ۳۰۰ رقبه در شهرستان اشتهارد سنددار خواهد شد که با اتصال رقبات به اصل سند در سامانه جامع، این موضوع به ثبت خواهد رسید. مساحت این موقوفه که به نام میرزا عیسی وزیر به ثبت رسیده است، دو میلیون و چهارصد و هشتاد و پنج هزار متر مربع (بیش از ۲۴۸ هکتار) است. به دلیل اینکه مالکیت آن شش دانگ و عرصه و اعیان آن وقفی است، اخذ این سند برای سازمان اوقاف و امور خیریه بسیار مهم و ارزشمند به شمار می‌رود و ارزش ریالی این موقوفه بسیار بالا، ارزشمند و شامل بخش‌های مسکونی و تجاری زراعی است... بنا به اظهار سرپرست دفتر نمایندگی اوقاف اشتهارد، نیت این واقف خیراندیش، کمک به هزینه‌های حوزه علمیه، ایجاد مسجد، برپایی مراسم روضه‌خوانی، و کمک به افراد نیازمند می باشد.

در یکی از سندهای سازمان اوقاف درباره موقوفات مذکور چنین آمده است:

استان البرز، شهرستان اشتهارد، بخش مزارع، مساحت: ۲۴۸۵۵۵۲۹۳، تاریخ ثبت: خردادماه ۱۳۹۴، شماره دفتر املاک: ۹۰، صفحه ۸۲، شماره ثبت ملک: ۱۴۳۰۹، نوع ملک: قریه، وضعیت خاص: وقف، ۶ دانگ عرصه و اعیان، نشانی ملک: اشتهارد قریه مرادتپه، مشخصات مالک: موقوفه میرزا عیسی وزیر.

اداره اصلاحات ارضی شهرستان کرج

تعمیر نام شماره ۱۴۳۰۹ - ۸/۱۸/۴ آقاي احمد کاوه نمائنده متولي موقوفه مرحوم ميرزا عیسی وزیر

خواهشمند است دستور فرمایند رونوشت سند اجاره نامه که با کاشا روزان صاحب نسق قریه مراد تپه تنظیم گردیده ببا ناکشا وری و تعاونی روستائی کرج ارسال دارند و نسبت به تشکیل شرکت تعاونی روستائی نیز اقدام لازم معمول دارند تا موقوفه بتواند اجاره های مربوطه را با تضمین شرکت تعاونی بطور مرتب دریافت نماید. ضمناً یک نسخه از اجاره نامه هم برای ضبط در پرونده فاوقای باین اداره ارسال فرمایند. ج

رئیس اداره اوقاف تهران - شعشعمانی

۱۱۴۱۰
۲۲/۸/۲۷

رونوشت عطف برونوشت نامه شماره ۱۴۳۰۹ - ۸/۱۸/۴ و نامه شماره ۱۴۳۰۹ - ۸/۱۸/۴

۴ برای اطلاع آقاي احمد کاوه نمائنده متولي موقوفه مذکور ارسال میشود. ج

رئیس اداره اوقاف تهران - شعشعمانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

موقوفات میرزا عیسی وزیر
در قریه مرادتپه شهرستان کرج



موقوفات میرزا عیسی وزیر
در قریه مرادپه شهرستان کرج

۴. بیمارستان رازی

میرزا عیسی خان وزیر در خیابان وحدت اسلامی، بیمارستان رازی را هم تأسیس کرد که هنوز دایر است. (خسروی، ۱۳۹۴: ۱۵)

۵. قنات سراب وزیر

قنات سراب وزیر (قنات میرزا عیسی وزیر) جزو موقوفات میرزا عیسی است (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰) و در خیابان مهدی‌خانی، کوچه لب تشنه که حالا نامش شهید حیدری است مظهر پیدا می‌کرد. بیشتر بیماری‌های مردم در آن زمان ناشی از آب آلوده بود و تنها آب پاک آب همین قنات‌ها بود و جالب اینکه اغلب افرادی که قنات داشتند مازاد آب خود را وقف مردم می‌کردند. قنات آب شاه، اول در قصر شاه می‌گذشت و بعد به مردم می‌رسید و قنات فرمانفرما، اول در خانه‌اش می‌چرخید و... اما میرزا عیسی کل آب قنات را وقف مردم می‌کند نه مازادش را. محله سراب وزیر هم به دلیل همین قنات به این اسم مشهور شده است. (همان، ۱۹۹/۱)

در کتاب‌های تاریخی اشاره به قنات عیسی خان شده است؛ نمونه:

«قیمت اجاره آب آن خانه، ۱۰ تومان در سال بود و از قنات میرزا عیسی وزیر که کنار سفارت جاری بود، آب می‌گرفتند و ماهی دو سه هزار دینار هم به میرآب می‌دادند.» (مبصرالسلطنه، ۱۳۸۴ش: ۳۲؛ اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵ش: ۴۴/۱)

۶. گسترش شهر تهران و احداث خندق

ایشان به دستور ناصرالدین شاه، نقشه جدید دارالخلافه تهران را در دوره صدارت میرزا یوسف مستوفی الممالک تنظیم کرد. البته موسیر بوهلر فرانسوی و موسیو کرشیش اتریشی معلم مدرسه دارالفنون و همچنین مهندس بغایری در این کار به او کمک کردند. (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱۸۹/۱-۱۹۰)

بنابراین وسعت دادن شهر تهران و احداث خندق برای جلوگیری از سیل، به‌دست باکفایت میرزا عیسی خان وزیر صورت گرفت. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می‌نویسد:

«سنه هزار و دویست و هشتاد و چهار عزم ملوکانه بر وسعت شهر تهران تعلق یافت لهذا مقرر فرمودند که شهر تهران را از سمت دروازه شمیران یک هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به عهده جناب آقای مستوفی الممالک و میرزا عیسی، وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و نیز مقرر شد که خندقی حفر کنند که رفع عبور مردمان از خارج دروازه بشود و شهر از آفت سیل محفوظ ماند. روز یکشنبه یازدهم شعبان در بیرون شهر شروع به این کار شد. اعلی حضرت شهریاری بدو کلنگی به زمین زدند و بعد سایرین شروع به حفر خندق کردند و میرزا عیسی وزیر متعهد شد که سه ساله حفر خندق تمام شود. دور این شهر سه فرسخ و نیم شد و دوازده دروازه به دور او ساخته آمد و میرزا عیسی متقبل شد که او درین خدمت مجاهده کند و پاره‌ای از اراضی بایره که داخل در محاط شهر جدید می‌افتد از او باشد و هنوز بعضی اراضی متعلق به میرزا عیسی هست» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷ش: ۲۸۵؛

اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴ش: ۱۰۴/۱) همچون قلعه نصرت‌آباد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ش: ۱۶۶۴/۳)

همچنین محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب دیگرش (مرآة البلدان) می‌نویسد:

« چون جمعیت و آبادی دارالخلافه نهایت رو به ازدیاد نهاد و شهر گنجایش جمعیت حالیه را ندارد، رأی صواب‌نمای ملوکانه اقتضا فرمود که وسعت مکانی برای اهالی حاصل آید. لهذا مقرر فرمودند که شهر تهران از سمت دروازه شمیران یک‌هزار و هشتصد ذرع و از سه جانب دیگر از هر طرف یک‌هزار ذرع وسعت دهند و کفالت این امر را به‌عهده جناب آقای مستوفی‌الممالک و میرزا عیسی وزیر دارالخلافه موکول فرمودند و چند نفر از مهندسین را نیز مأمور تعیین حدود و طول و عرض خندق آن فرموده، مقرر شد که قسمتی خندق را حفر کنند که از برای مترددین معبر نباشد و شهر از افت سیل مصون ماند.

روز یکشنبه یازدهم شعبان [سال ۱۲۸۴ قمری] در بیرون شهر در محاذی دروازه دولت، سرپرده مخصوص ذات مقدس همایون را برپا نموده، وزرا و شاهزادگان حتی وزرای دول خارجه مقیم دربار معدلت‌مدار در این محل در زیر چادرها جمع آمده سلام عام منعقد گردید. بعد در موضعی که طرح خندق را ریخته بودند، با کلنگی که از نقره و در کمال امتیاز ساخته شده بود، بندگان سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی کلنگی به دست مبارک بر زمین زده و حضرت امجد شاهنشاه‌زاده والا نایب‌السلطنه [کامران میرزا] نیز اقتدا به وجود مسعود مبارک کرده ایشان هم کلنگی به زمین زدند. از آن پس مأمورین به حفر خندق مشغول گردیدند و وزیر دارالخلافه متعهد شد که سه‌ساله حفر خندق تمام شود. دور این شهر تخمیناً سه فرسنگ و نیم خواهد شد و دوازده دروازه مقرر است که ساخته شود و از این روز شهر تهران موسوم به دارالخلافه ناصری گردید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ش؛ به نقل از: شهیدی، ۱۳۸۳ش: ۱۴۴)

با طرح وسعت یافتن محدوده شهر تهران، بسیاری از زمین‌هایی که خارج از شهر تهران بود، داخل محدوده تهران بزرگ قرار گرفت لذا این طرح برای صاحبان این‌گونه زمین‌ها ثروت خیز شد:

«زمین‌های زیادی در شمال و به‌خصوص در غرب، در محدوده جدید شهر قرار داشت. هم‌چنین زمین‌های بایر و باغاتی که متعلق به رجال و وزرا بودند، در آن محدوده واقع بودند. دو نفر از ملاکین بزرگ، مستوفی‌الممالک و خویش او میرزا عیسی وزیر، وزیر تهران و رئیس خالصه‌جات بودند. بدون شک تملک زمین‌های این محدوده، توسط این دو نفر به منظور استفاده آتی بود. خانواده مستوفی‌الممالک در ۱۲۶۹ قمری، در سنگلج زندگی می‌کردند و صاحب چندین خانه بودند. عده‌ای از اطرافیان و اقوام او نیز در همان حوالی بودند و پسرش که لقب و سمت او را در ۱۳۰۳ قمری، به ارث برد، صاحب زمین‌های وسیعی در سنگلج شد و از ملاکین بزرگ تهران بود.» (اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵ش: ۴۲/۱)

۷. کفالت مخارج محصلان

در اسلام به علم و دانش اهمیت فراوانی داده شده است و آیات و روایات بسیاری در تکریم دانشمندان و برتری آنان وارد شده است. از خدمات پسندیده میرزا عیسی خان وزیر، پرداخت هزینه تحصیلی دانشجویان است تا آن‌ها با فراغ خاطر بتوانند تحصیل علم و کمالات کرده و برای جامعه مفید باشند. در کتاب «مرآت الوقایع مظفری» چنین آمده است:

«امین‌الدوله که بانی مدرسه رشديه است و چهل شاگرد آن‌جا را مجاناً متکفل خرج است و بیست شاگرد آن‌جا را از ثلث مرحوم میرزا عیسی وزیر، آقا شیخ هادی مجتهد متکفل مخارج است. امین‌الدوله در شعبان المعظم در رشت شنید که مخارج مدرسه را حیف و میل می‌کنند. به آقا شیخ هادی نوشت که مخارج مدرسه را رسیدگی نماید و اختیارش با او باشد.



آقا شیخ هادی مجتهد نیز می‌خواهد مدرسه ملی افتتاح نماید. از قرار مذکور در این مدت هفتاد هزار تومان، مردم وجه اعانه برای مدارس ملی تهران داده‌اند و تمام را رؤسا خورده‌اند.» (سپهر، ۱۳۸۶: ۴۷۲/۱)

منابع

قرآن کریم.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چ ۲.

اتحادیه، منصوره و روحی، سعید (۱۳۸۵ش). در محضر شیخ فضل الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری، تهران: نشر تاریخ ایران.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۴ش). *چهل سال تاریخ ایران*، محقق و مصحح: ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر، چ ۲.

_____ (۱۳۶۷ش). *مرآة البلدان*، محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران: نشر دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۵۷ش). *صدرالتواریخ*، محقق و مصحح: محمد مشیری، تهران: نشر روزبهان، چ ۲.

انوری، حسن (۱۳۸۲ش). *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: نشر سخن، چ ۲.

باقری، لیلا، دیدار با وزیر مردمدار در حوالی بهشت، ۱۷ آذر ۱۳۹۵، شماره ۶۳۴-۶۳۵، همشهری محله (منطقه ۱۱).
بامداد، مهدی (۱۳۷۱ش). *شرح حال رجال ایران*، تهران: نشر زوار.

حضرتی، صادق (۱۳۸۲ش). *رجال و مشاهیر آشتیان*، قم: انتشارات الماس.

خسروی، بهاره، جست‌وجو در تاریخ ۱۳۷ ساله یک مسجد و مدرسه، ۳۱ تیر ۱۳۹۴، شماره ۵۶۵، همشهری محله ۱۱.

دوانی، علی (۱۳۸۵ش). *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی*، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران.

سالور عین السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۴ش). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، محقق و مصحح: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.

سحاب، غلامرضا، *سالنامه نقرش* (۱۳۹۳ش). سال شانزدهم، دنیای جغرافیای سحاب.

سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶ش). *ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴*، تهران: نشر چاپخانه بانک ملی ایران.

سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶ش). *مرآت الوقایع مظفری*، محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی، تهران: نشر میراث مکتوب.

سلیمانی، کریم (۱۳۷۹ش). *القاب رجال دوره قاجاریه*، تهران: نشر نی.

شقاقی، حسین قلی خان (۱۳۵۳ش). *خاطرات ممتحن الدوله*، تهران، ناشر: امیرکبیر.

شهبازی، داریوش (۱۳۹۷ش). *روایتی از تهران قدیم*، ج ۱، تهران: انتشارات سایه بان هنر.

شهیدی، حسین (۱۳۸۳ش). *سرگذشت تهران*، تهران: نشر راه مانا.

فقیه عبداللهی، حسن (۱۳۸۵ش). *زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر محمود نجم آبادی* «مصاحبه با استاد دکتر محمود نجم آبادی استاد تاریخ پزشکی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی ایران»، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مافی، حسین قلی خان نظام السلطنه (۱۳۶۲ش). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*، محقق و مصحح: معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رامپیشه، تهران: نشر تاریخ ایران، چ ۲. مبصر السلطنه، میرزا حسین خان (۱۳۸۴ش). *مراسلات طهران*، محقق و مصحح: منصوره اتحادیه و سعید میر محمدصادق، تهران: نشر کتاب سیامک.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴ش). *شرح زندگانی من*، تهران: نشر زوار، چ ۵.

مصاحبه با منصور رشیدی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان.

مصاحبه با استاد اسدالله عبدلی آشتیانی، مصاحبه گیرنده: علی قنبریان.

منزوی، احمد (۱۳۸۲ش). *فهرستواره کتابهای فارسی*، تهران: نشر: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، چ ۲.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۲ش). *سفرنامه عراق عجم*، تهران: نشر تیرازه، چ ۲.

نجم آبادی، محمدعلی (بی تا). *العلماء باقون ما بقی الدهر*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی